نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و سوم، شماره ۶۹، تابستان ۱۴۰۲

تبیین ارتباط «حقوق شهروندی» و «حقوق معماری و شهرسازی» با تأکید بر «نظریه حق به شهر»

دریافت مقاله: ۹۸/۶/۱۳ **پذیرش نهایی**: ۹۸/۱۲/۲۸

صفحات: ۱۷۸-۱۵۵

قدرت زارع اندریان: دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Email: Zareghodrat55@yahoo.com
حسین ذبیحی: دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.[1]
Email: hosseinzabihi@hotmail.com
سعیدکاردار: گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Kardar1976@yahoo.com

چکیده

حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیفی است که یک شهروند به دلیل سکونت در یک کشور از آن برخورداراست. حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط متقابل شهروندان و ادارات شهر را در امر محلی و شهری تنظیم نموده و حقوق تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر نهادهای شهری را تبیین می‌نماید؛ لذا امروزه آگاهی شهروندان از حقوق مکتسبه از یکسو و آگاهی برنامه‌ریزان و معماران از حقوق شهروندان، از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرآیند برنامه‌ریزی معماری شهری است که در این مقاله این موضوع موردبررسی قرارگرفته است. نظریات معاصر در باب حقوق شهری منجر به چارچوب نظامی نوین بر پایه مفهوم «حق بر شهر» درباره زندگی شهری شده‌اند؛ چنانچه به‌صورت کلی می‌توان در چارچوب مفهوم کلی «حق بر شهر»، صورت‌بندی زیر را از مجموعه این حقوق درباره حقوق متصورِ شهروندی به حقوق معماری و شهرسازی ارائه داد: ۱. حق تخصیص؛ ۲. حق مشارکت؛ ۳. حق مرکزیت؛ ۴. حق سکونت؛ ۵. حق بر زیستگاه؛ ۶. حق بر فردیت بخشی در اجتماعی سازی. در پایان نیز ارتباط این مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن‌ها با میزان سنخیت و ارتباط با حقوق معماری و شهرسازی ارائه‌شده است.

کلید واژگان: نظریه‌های حقوق شهروندی، حقوق شهروندی، نظام شهرسازی.

۱. **نویسنده مسئول:** تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه شهرسازی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

مقدمه

شهروندی وضعیت بهره‌مندی از حقوق و داشتن تکلیف به‌عنوان ساکن یک شهر یا عضو یک کشور و توصیفی از وضعیت سیاسی فرد است. شهروند بودن یعنی عضو یک واحد سیاسی مثل دولت مدرن یا یک دولت- شهر بودن. شهروندی شأن شخص را در برابر دستگاه گسترده سیاسی مشخص می‌کند. شهروندی همواره ۳ وجه دارد: ۱. شخص، ۲. بستر نهادی جامعه سیاسی و ۳. چگونگی مناسبات شخص با این جامعه سیاسی؛ تعلق شخص به جامعه سیاسی هم جنبه عاطفی دارد (حس تعلق) و هم جنبه حقوقی (حق مشارکت در تصمیم سازی). همچنین در عصر حاضر شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به‌صورت سازه اجتماعی ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همراه با تنوع فرهنگ‌ها، معانی مختلف را در جامعه شکل می‌دهد. تئوری‌های فرهنگ شهروندی متکی بر این است که «شهروندی» یک مفهوم پویا است که ناشی از بسترسازی «اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژی، حقوقی و سیاسی» در شهر شکل می‌گیرد. نظریات مختلفی در رابطه با حقوق شهروندی مطرح شده‌اند که ماهیت آن‌ها از دیدگاه مختلف متفاوت است که معروف‌ترین آن‌ها «نظریه حق به شهر» است: مفهوم «حق بر شهر» (Right to the city)، مفهومی است که توسط «هنری لوفور» تبیین شده است و در دهه‌های اخیر به‌عنوان نماد حقوق انسانی در شهرها و در میان جوامع شهری درآمده است[۱]. این مفهوم به‌طور عمده در رابطه با تبیین چارچوب «برابری»، در مباحث مربوط به مطالعات شهری و علوم اجتماعی به کار می‌رود. در کتاب The Urban Revolution، لوفور به این امر می‌پردازد که مهم‌ترین معضل زندگی شهری مدرن، انفعال بیش‌ازاندازه مردم و کمبود مشارکت مردمی است که به‌طور مستقیم تحت تأثیر پروژه‌ها و استراتژی‌های شهری هستند. از طرفی نیز توسط پروسه صنعتی شدن مورد حمله قرارگرفته است که باعث شکل‌گیری مناطق محروم، مناطق مسکونی نامطلوب، گتوهای شهری فقیرنشین، عدم انسجام جمعیتی و اجتماع‌های منقطع است. سؤال اصلی در این است چه ارتباط بین حقوق شهرسازی و معماری مؤلفه‌های متصوره با حقوق شهروندی وجود دارد و دامنه تعامل و ارتباط آن‌ها با یکدیگر چگونه است؟ در این مقاله تلاش شده است تا این ارتباط و بایسته‌ها و وابسته‌های مفهومی آن مورد تدقیق قرارگرفته و شرایط برهم‌کنش آن‌ها تبیین گردد.

مبانی نظری

شهروند؛ «شهروند» از واژه یونانی «سیویتاس» مشتق است. این واژه در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه «پولیس» در زبان یونانی است. شهروند کسی است که به آن واحد سیاسی تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره عمومی در محدوده شهر داراست (پلبو، ۱۳۷۰، ۱). تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد (آذرداد، ۱۳۸۹،۱۲). در دانش‌نامه سیاسی شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر

۱ برخی از منابع که در این مقاله در این رابطه مورد استفاده قرار گرفته اند، عبارتند از :

The right to the city' revisited: Assessing urban rights e The case of Arab Cities in Israel, Yosef Jabareen
European Charter for the Safeguarding of Human Rights in the City
Harvey, The Right to the City, NLR 53, September-October 2008
Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant, Mark Purce

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

در برابر با دولت تکلیف‌هایی بر عهده دارد (کامیار، ۱۳۸۹، ۲۱). ازنظر ارسطو شهروند به معنای کامل را نمی‌توان بهتر از امکان مشارکت او در امر قضا و اشتغال به مقامات قضایی توصیف کرد. شهروندان کسانی هستند که در قدرت شریک‌اند. لذا بهترین تعریف قابل انطباق به همه اشخاصی که شهروند نامیده می‌شوند همین واحد بود (ماری گای، ۱۳۸۸، ۵۳). مارشال حقوق شهروندی را دارای سه حوزه اصلی می‌داند: حقوق قانون مدنی (مانند مبتنی بر آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق بهره‌مندی از عدالت)، حقوق سیاسی (از قبیل: حق رأی، حق شرکت در انتخابات) و حقوق اجتماعی ازجمله: حق بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی، دمات مدنی و اجتماعی (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ۱۴).

شهروند دموکراتیک؛ شهروند دموکراتیک یک پله بالاتر از شهروند عادی قرار دارد؛ چراکه شهروندان دموکراتیک به حقوق خود آگاهی داشته و آزادی کافی برای اداره امور عمومی کشور را دارند. البته نباید فراموش کرد که تنها با ایجاد افکار دموکراتیک نمی‌توان شهروندان دموکراتیک داشت (آنتونی و سی مور، ۱۳۷۶، ۱۷۲).

شهروندی؛ در دیدگاه متقدمین مفهوم شهروندی در جایگاه قانونی و با تبعیت مردم از دولت اهمیت می‌یافت، درحالی‌که امروزه مفهومی فراتراز قانون پیدا کرده و صرفاً تکبیری حقوقی ندارد (کاستلز و دیویدسون[1]، ۱۳۸۲). ازاین‌رو مطالعات شهروندی روند تازه‌ای می‌گیرد و با بازیابی مفهوم فرهنگ و اهمیت آن در زندگی جمعی شهروندی، شکل و روح جدیدی در مطالعات شهروندی دمیده می‌شود (ایزین و ترنر[2]، ۲۰۰۲). به‌طور خلاصه هسته مشترک تعاریف ارائه‌شده از شهروندی عبارت‌است از: برخورداری عادلانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی (توسلی و حسینی،۱۳۸۳، ۳۵). عضویت در یک جامعه سیاسی افزون بر حقوق، دربردارنده مسئولیت‌ها و وظایف نیز هست. بدین‌سان حقوق نیازمند تعهدات متقابل است، اساساً به دلیل این‌که شهروندی دربردارنده مسئولیت‌ها وظایف و مشارکت است (شیانی، ۱۳۸۴، ۱۶۶-۱۶۵).

شهروندیاری؛ گوایگلی[3] (۲۰۰۴) سه مؤلفه به‌هم‌پیوسته دانش شهروندی، مهارت شهروندی و نگرش شهروندی را از عناصر اصلی تعریف شهروندی می‌داند و آموزش شهروندی را توسعه دانش، مهارت و نگرش شهروندی در فراگیران می‌داند (هاشمی، صالحی عمران و غیاثی، ۱۳۸۷، ۱۰۱). موضوعی که آموزش شهروندیاری را بیش‌ازپیش الزامی می‌کند این است که اغلب مردم برای انجام فعالیت‌های اجتماعی خود آموزش‌های لازم را ندیده‌اند و درنتیجه رفتار آنان بر اساس مشاهده و تقلید رفتارهای دیگران بوده است (سیپانی، سعادتمند و کریمی، ۱۳۸۶، ۸۵).

حقوق شهروندی

ازنظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. ازاین‌رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم

1 Casteless & Davidson
2 Isin & Turner
3 Quigley

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است (شکری، ۱۳۸۶، ۸۰). حقوق شهری، شاخه‌ای منشعب از حقوق اساسی و حقوق اداری است که هردوی آن‌ها از شاخه‌های حقوق داخلی عمومی قلمداد می‌شوند (نصر، ۱۳۸۵، ۶۸). حقوق شهری مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی ربط در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌کند (کامیار، ۱۳۸۶، ۲۱). حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط متقابل شهروندان و ادارات شهر را در امر محلی و شهری تنظیم نموده و حقوق تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر نهادهای شهری را تبیین می‌نماید (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۰۶). بنابراین حقوق شهروندی به مجموع حقوق و آزادی‌هایی گفته می‌شود که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تأمین و تضمین کرده است و محتوای آن ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۸، ۹). حقوق شهروندی ترکیبی از دو کلمه حقوق و شهروندی است و گذشته تاریخی‌اش چندان روشن و شفاف نیست. حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی همانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصداق واقع شدن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۷۰).

انواع حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در سه بعد حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی قابل‌شناسایی است.

۱-«حقوق مدنی»: آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی عقیده و مذهب، آزادی مالکیت و آزادی رفت‌وآمد از برجسته‌ترین حقوق مدنی یک شهروند برشمرده می‌شوند. بدون تضمین حفاظت از این حقوق توسط نظام سیاسی و جامعه نمی‌توان قائل به وجود مفهوم شهروندی شد.

۲-«حقوق اجتماعی»: حق تشکیل سازمان، انجمن و سندیکا برای تجمیع، بیان و برآوردسازی مطالبات اجتماعی، حق برخورداری از بهداشت عمومی، حق برخورداری از آموزش فراگیر و عمومی، حق برخورداری از حمایت قانون، حق برخورداری از رفتار برابر در مقابل دستگاه قضایی، حق داشتن دستمزد عادلانه، حق داشتن استراحت و توزیع اوقات فراغت، حق زنان در برخورداری از حقوق برابر با مردان، حق بر ورد مبتنی بر کرامت انسانی و رعایت حقوق طبیعی از طرف حکومت، حق برخورداری از آزادی تجمع برای اعتراض مسالمت‌آمیز و حقوقی مشابه. شهروند فردی است که در عرصه جامعه از حقوق ذکرشده برخوردار باشد.

۳-«حقوق سیاسی»: حق دسترسی برابر به مناسب حکومتی، حق برخورداری از مشارکت سیاسی نهادمند، حق تشکیل حزب برای شرکت در تعمیم‌سازی سیاسی، حق برخورداری از انتخابات منظم ادواری، آزاد و سالم، برخورداری از حق عزل حاکمان از طریق سازوکارهای مطلوب، حق داشتن امنیت سیاسی، حق نقد حاکمان از طریق نهادینه‌سازی آزادی بیان. حقوق سیاسی به‌عنوان حقوق عالی شهروندی تعریف می‌شود (ساعی ارسی، ۱۳۹۱). شکل (۱).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]



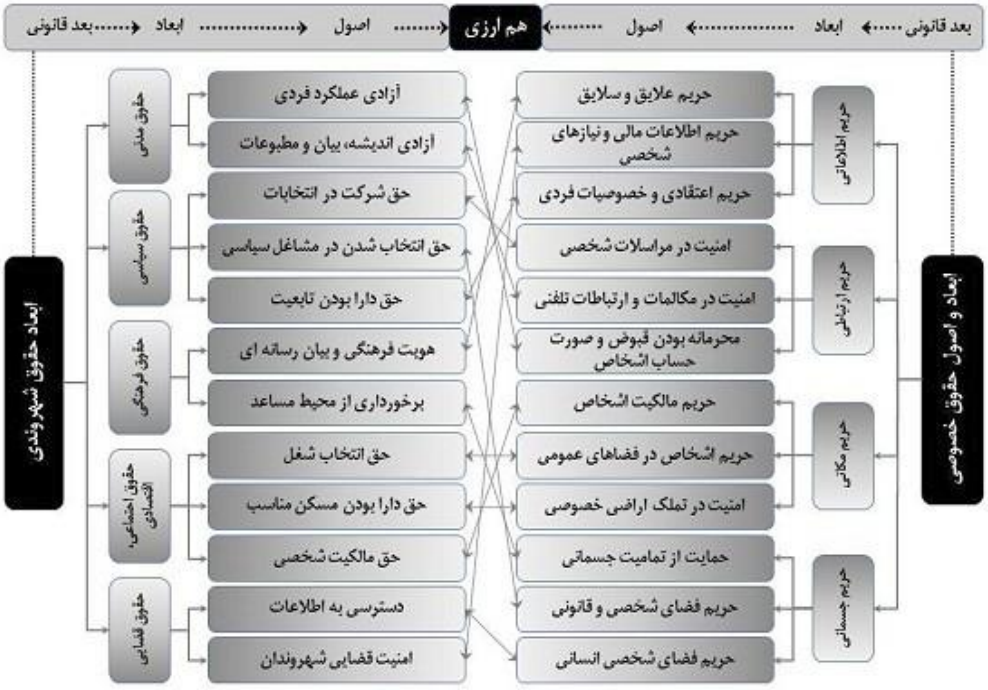
شکل (۱). جهانی‌شدن فرهنگ و حقوق شهروندی؛

منبع: نگارندگان

حقوق شهروندی در شهرسازی

شهروندان از «حقوق اجتماعی» یکسانی برخوردارند که این حقوق شاخه‌هایی دارد که در دوره پهلوی به‌صورت کم‌وزیاد به آن پرداخته‌شده است. یکی از مؤلفه‌های حقوق اجتماعی شهروندی بهره‌مند شدن از حداقل امکانات خدماتی- رفاهی برای شهروندان می‌باشد که به خدمات متفاوتی اشاره دارد. همچنین از مؤلفه‌های دیگر حقوق اجتماعی شهروندان برخورداری از وضعیت خیابان‌ها و پیاده‌روهای مطلوب می‌باشد. در زمان پهلوی یکی از عمده‌ترین وظایف بلدیه توسعه و احداث معابر با توجه به مدرنیسم بوده است (کیانی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۹). این خود مقدمه‌ای بود تا در سال‌های ۱۳۰۹، ۱۳۱۲، ۱۳۱۸ توسعه و احداث معابر از طرف مجلس شورای ملی کامل‌تر شد (خمسه‌ای، ۱۳۶۸، ۱۰۴). بلدیه توسعه را عریض کردن و وسیع کردن معابر و خیابان‌ها برای خود تعریف کرده بود که بیشتر این توسعه‌ها در بافت‌های قدیمی صورت می‌گرفت و نتیجه آن تخریب اموال شخصی مردم را دربرداشت (کیانی، ۱۳۸۳، ۱۹۸). این دگرگونی تا جایی رشد کرد که در سال ۱۳۰۹ ش. نخستین نقشه دگرگونی تحت عنوان نقشه خیابان‌ها تهیه شد. توسعه و گسترش شهر پیامدهای خوشایندی برای شهروندان را دربرداشت که ازجمله می‌توان به تبدیل‌شدن خیابان به مکانی برای کسب‌وکار و دادوستد مردم شد. در کل این امر باعث شد که شهروندان به‌راحتی به مناطق تجاری، تولیدی و خدماتی دسترسی داشته باشند (کیانی، ۱۳۸۳، ۱۹۸). بعدازاینکه بلدیه توسعه و گسترش خیابان‌ها را به اتمام رساند شروع به سنگ‌فرش کردن، آسفالت‌ریزی و شن‌ریزی بعضی از کوچه و خیابان‌ها به‌منظور رفاه حال شهروندان نمود. در این میان می‌توان به سنگ‌فرش کردن و شن‌ریزی بعضی خیابان‌ها ازجمله خیابان پهلوی، عشرت‌آباد، دروازه دولت، شاهپور و چند خیابان دیگر اشاره نمود (موسوی عبادی، ۱۳۷۸، ص ۲۹). حقوق افراد ملت و اصول حکومت به‌موجب قانون اساسی ۱۲۸۵ هجری شمسی و متمم آن در مهرماه ۱۲۸۶ هجری شمسی به تصویب مجلس رسید و تابع اصل حاکمیت قانون گردید. هرچند دیری نپایید که این دستاورد عظیم ملت دست‌خوش انحراف گرید و به‌گونه‌ای استبداد در جامعه حاکم گردید. فاصله میان مردم و حاکمان افزوده شد و تلاش ملت برای دستیابی مجدد به حقوق خویش، زمینه‌سازی وقوع انقلاب اسلامی گردید. با پیروزی انقلاب و طی همه‌پرسی، شکل حکومت ایران، جمهوری اسلامی تعیین گردید (شجیعی، ۱۳۷۲، ۵۴) شکل (۲) و جدول (۱).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]



شکل (۲). ابعاد حقوق خصوصی و حقوق شهروندی؛ منبع: خیرالدین و دلایی میلان، ۱۳۹۵، ۳۵.

جدول (۱). حقوق شهروندی در قانون جمهوری اسلامی؛ منبع: هاشمی، ۱۳۸۴، ۱۷۳.

چهارچوب حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران	موارد اشاره‌شده در قانون اساسی	تعداد اصل اشاره‌شده
امنیت عمومی و خصوصی	امنیت عمومی: حیثیت، جان، مال، شغل و حقوق (اصل ۲۲) امنیت خصوصی: مسکن، داشتن حریم و فضای شخصی، اقامت و تابعیت (اصل ۲۵ و ۳۳)	۳
امنیت قضایی	اصل برائت (اصل ۳۷)، تعقیب قانونی (اصل ۳۲)، محاکمه عادلانه با حق انتخاب وکیل (اصل ۳۵)، محاکمه علنی (اصل ۱۶۵)، قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها (اصل ۳۶ و ۱۶۹)، امنیت متهمان، محکومان (اصل ۳۸ و ۳۹) و اجتماعات (اصل ۲۷)	۹
آزادی‌های اجتماعی	آزادی عقیده (اصل ۲۳)، بیان (اصل ۲۴)، احزاب (اصل ۲۶)، برگزاری اجتماعات و تظاهرات (اصل ۲۷)	۴
حقوق سیاسی و مشارکتی	نهادهای سیاسی و حقوق و آزادی‌های افراد در مشارکت امور سیاسی و اداری کشور (اصول ۱۱۴،۱۰۷،۱۰۰،۶۲،۵۶،۷،۶)	۷
حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	حقوق اقتصادی، اجتماعی (اصول ۴۳،۲۸،۲۹،۲۱) و فرهنگی (اصل ۳ و ۳۰)	۶
حقوق طبقه آسیب‌پذیر و اقلیت‌ها	حقوق زنان، سالمندان و کودکان (اصل ۲۱)، اقلیت‌های مذهبی (اصول ۱۲ تا ۱۴) و پناهندگان (اصل ۱۵۵)	۵

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

نظریات حقوق شهروندی

در این قسمت به‌طور فشرده به بررسی و تفکیک، اصول و معیارهایی از سنت‌های نظری مربوط به شهروندی پرداخته می‌شود:

۱. اولین سنت، «نظریه تی. اچ.مارشال» است که درواقع معروف‌ترین نظریه شهروندی از سوی او مطرح‌شده است. در نظریه مارشال سه عنصر «مدنی، سیاسی و اجتماعی» با یکدیگر مرتبط می‌باشند. او سه دسته عنصر حقوق شهروندی را از یکدیگر متمایز می‌کند که با گذشت زمان توسعه‌یافته‌اند: حقوق در مقابل تعهدهای سازمانی (مثل حق رأی)، حقوق آزادی مدنی (که از جانب دادگاه‌ها محافظت می‌شوند) و حقوق مشارکت و تأمین عدالت اجتماعی که در مرکز توجه دولت رفاه قرارگرفته‌اند (مارشال،۱۹۹۷:۲۹).

۲. دومین سنت، رهیافت «دورکیم/ توکویل» در فرهنگ مدنی است که بحث «فضیلت مدنی» را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. این سنت در جمهوری فرانسه نمود قابل‌توجهی به خود می‌گیرد و به «سنت جمهوری شهروندی» مشهور شده است. هردو دیدگاه مذکور با عنوان‌های «نولیبرالی» و «نوفضیلت‌گرایی» تداوم یافته‌اند.

۳. آخرین سنت نظری شهروندی، مفاهیم جدیدی چون مردم‌سالاری، جنبش‌های اجتماعی، جامعه مدنی، ارتباط مردم سالارانه و کنش ارتباطی را موردتوجه قرار می‌دهد. این رهیافت جدید با توجه به تلاش صاحب‌نظرانی همچون «ترنر» و «هیتر» که مباحث شهروندی فرهنگی و شهروندی اجتماعی را مطرح کرده‌اند، در این مقوله تعریف می‌شود. باید اذعان کرد که رهیافت سوم بر اساس انتقادهای وارد به شهروندی دولت‌محور مارشال و فضیلت مدنی جامعه‌محور دورکیم شکل‌گرفته است (ربانی وراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶، ۱۳-۱۲) شکل (۳) و جدول (۲).



شکل (۳). انواع نظریات شهروندی

جدول (۲). مقایسه اهم نظریات شهروندی؛ منبع: نگارنده

نظریه	ایده پرداز	ساختار ارتباطی	ساختار سیاسی
نظریه شهروندی	تی. اچ.مارشال	دولت‌محور	دولت رفاه
نظریه فضیلت مدنی	دورکیم و توکویل	جامعه‌محور	«نولیبرالی» و «نوفضیلتگرایی»
نظریه دمکراسی شهری	ترنر و هیتر	مردم محور	دموکراسی و جامعه مدنی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

در ادامه معروف‌ترین نظریه درباره حقوق شهروندی موسوم به نظریه حق به شهر تبیین و شرح داده می‌شود.

نظریه حق به شهر

«حق به شهر»[1] مفهومی است که اولین‌بار توسط «هنری لوفور» در کتابی با همین عنوان مطرح شد. ازنظر او حق به شهر نوعی درخواست و مطالبه برای دستیابی تحول‌یافته به زندگی شهری است (کافمن،۱۹۹۶) این حق پیش از آن‌که فردی باشد، مفهومی عمومی است که مستلزم تغییراتی می‌باشد که این تغییرات نیز نیازمند یک قدرت جمعی برای شکل‌دهی مجدد به فرایندهای شهری می‌باشند. مفهوم حق به شهر مستلزم و منوط به آزادی و بازسازی شهری و تک‌تک انسان‌ها در آن است، مفاهیمی که در عصر حاضر مورد بی‌اعتنایی قرارگرفته‌اند (هاروی[2]،۲۰۰۸). در نوشتاری دیگر روحی به نقد و بررسی کتاب حق به شهر دیوید هاروی و اندی مری فیلد پرداخته است که در آن نیز همچنین حق به شهر به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اساسی برای شکل‌گیری خودآگاهی و کنش[3] بوده و «فراتر از آزادی فردی در دسترسی به امکانات شهری» می‌باشد. به بیانی دیگر حق به شهر، حقی همگانی و مشارکتی[4] در نحوه‌ی تغییر شهر است (روحی،۱۳۹۲). علاوه بر عمومی و همگانی بودن حق به شهر، این حق منبع برتری برای تحقق سایر حقوق در شهر می‌باشد (اطهاری، ۱۳۹۰). مارک پورسل در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی لفور»: حق به شهر و سیاست‌های شهری ساکنان شهر با بیان این‌که تئوری حق به شهر لفور رادیکال‌تر و بسیار گسترده‌تر از آن مفهومی است که رواج یافته است، با ارائه خوانش جدید از حق به شهر به‌عنوان «سیاست‌های شهری ساکنان شهر، حق به شهر را راه‌حلی برای مقاومت شهروندان در برابر ساختارهای تحمیلی و شکل‌دهنده به شهر و سیاستی برای دستیابی به فضاهای شهری می‌داند (پارسل[5]،۲۰۰۲). حق به شهر برای تمام افراد وجود دارد چه شهروند رسمی باشند و چه غریبه و غیررسمی. لفور دو مؤلفه را در حق شهری بازمی‌شناسد:

۱. «**حق استفاده مناسب از فضاهای شهری**»: امروزه در شهرهای ما بر اساس نیازی که زندگی اجتماعی شهری ایجاب می‌کند، حق استفاده از فضاهای شهری، برای بازی کردن، کار کردن و وجوه و موارد مشابه برای زندگی مناسب، آن‌چنان‌که باید، تأمین نشده است.

۲. «**حق مشارکت**»[6]: بر اساس این حق ساکنان شهر باید در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های مربوط به فضاهای شهری دخیل باشند (فانستر[7]،۲۰۰۵).

حق استفاده از شهر، در بعد عمومی، باعث شکل‌گیری احساس تعلق می‌گردد. تعلق یک احساس است که در فعالیت‌های روزمره و استفاده از مکان‌ها شکل می‌گیرد و به دنبال استمرار بهره‌گیری از فضا تقویت می‌شود (رهبری، ۱۳۹۳).

1 The Right to The City
2 Harvey
3 Action
4 public and Collaborative Right
5 Purcell
6 Right to Participation
7 Fenster

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

فعالیت‌های روزمره علاوه بر این‌که احساس تعلق برای شهروندان به بار می‌آورند، سبب شکل‌گیری معنا و هویت فضایی نیز می‌شوند. برای مثال خیابان به‌عنوان یک مکان[1] جغرافیایی که توسط برنامه‌ریزان و طراحان شهری طراحی‌شده است، توسط افرادی که در آنجا دست به کنش اجتماعی[2] می‌زنند، تبدیل به یک فضا می‌شود (رهبری، ۱۳۹۳) و هویت می‌گیرد. فضای اجتماعی[3] نیز چنین است؛ این بدان معناست که فضا به‌خودی‌خود نمی‌تواند وجود داشته باشد. فضا نشان‌دهنده واقعیت اجتماعی[4] است. در نگرش لفور پنداره‌های تاریخی فضا بر پایه سه محور تحلیل می‌شود که به بیانی ساده‌تر عبارت‌اند از: الف) فضای به فهم درآمده یا ادراک‌شده ب) فضای به حس دریافته یا احساس شده ج) فضای زیسته (الیوت و ترنکر، ۱۳۹۰). فضاهای زیست اجتماعی از طریق این سه بعد که باهم روابط «دیالکتیکی»[5] دارند ایجادشده است. بدون شناخت و آگاهی از روابط دیالکتیکی میان فضاهای به فهم درآمده، احساس شده، زیسته و جریان تولید فضا در شهر و چگونگی بازتولید آن، فرایند اقدام و تلاش برای دستیابی به‌حق به شهر، آن‌چنان‌که باید؛ محقق نمی‌گردد. در هر یک از فضاهای یادشده با توجه به فرصت شکل‌گیری کنش و امکان تبدیل شهر به عرصه عمل، چگونگی اقدام برای حق‌خواهی متفاوت است. ابعاد سه‌گانه روال فضایی، بازنموده‌ای فضایی، فضاهای بازنمود، با ایجاد بسترهایی برای درک و دریافت از امور مختلف زیستی در شهر، در تولید فضا نقش ایفا می‌کنند.

۱. **«روال فضایی»**:[6] روال‌های فضایی به‌عنوان نوعی فضاگونگی[7] تعریف می‌شوند که تولید و بازتولید و جایگاه‌ها و چیدمان‌های فضایی عملکردهای مختلف را در برمی‌گیرند. روال فضایی یک جامعه، فضای آن جامعه را تولید می‌کند و فضا را مطرح می‌کند. روال‌های فضایی به‌عنوان فرآیند تولید شکل مادی فضاگونگی اجتماعی، هم به‌عنوان میانجی و هم برون‌داد فعالیت، رفتار و تجربه انسانی نمایش داده می‌شوند (Lefebver,۱۹۹۱). روال فضایی مشخص‌کننده بعد مادی[8] فعالیت و تعامل اجتماعی است. شبکه‌های تعامل و ارتباط روزمره[9] که در فرایند تولید[10] بروز می‌کنند نمونه‌ای از این روال‌های فضایی هستند (روحی، ۱۳۹۲).

۲. **«بازنمودهای فضایی»**[11] بازنمودهای فضا یک فضای مفهومی شده یا معقول را تعریف می‌کنند. فضای دانشمندان، برنامه‌ریزان و شهرسازان در این فضا جای می‌گیرد. این فضای معقول همچنین به روابط تولید[12] و به‌خصوص به نظم یا طراحی که آن روابط تحمیل می‌کنند، گره‌خورده است. چنین نظمی از

1 place
2 Social Action
3 Social Space
4 Social Fact
5 Dialectical
6 Spatial Practice
7 Spatiality
8 Material
9 Daily Interaction Networks
10 Production Process
11 Representation of Space
12 Relations of production

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

طریق کنترل دانش، نمادها و کدها بر ابزار رمزگشایی روال فضایی و درنتیجه تولید دانش فضایی[۱] اعمال می‌شود (سوجا[۲]،۱۹۹۶).

فضاهای بازنمود: فضاهای بازنمود در عین این‌که متمایز از دو فضای دیگر است، اما آن‌ها را در برمی‌گیرد. فضاهای بازنمود، سمبلیسم‌های پیچیده به وجود آوردنده رمز و بدون رمز را متبلور می‌سازند. آن‌ها به بخش سری یا زیرزمینی زندگی اجتماعی پیوند خورده‌اند. فضای بازنمود[۳] واجد نوعی رازگرایی[۴]، ناکلامی ناهشیار و امر درک ناپذیر است (دلیل، ۱۳۹۲). این فضا، فضای زیست‌کنندگان و کاربران[۵] است. فضای زیسته، درواقع فضایی است که فارغ از اندیشه شهرسازی و برنامه‌ریزی تجربه می‌شود و گاهی جایگاه مقاومت[۶] در برابر فضای معقول است. به بیانی دیگر می‌توان گفت فضای زیسته، جایگاهی برای نه گفتن[۷] و پس زدن نیروهای سرکوبگر[۸] و نظم‌دهنده به فضا و بر اساس تجربه زیسته و شناختی که از زیستن در چنین فضایی حاصل می‌آید؛ بستری برای خود مدیریتی و به دنبال آن فرصتی برای حق‌خواهی می‌باشد. این کاربران از مردم تا دانشمندان و برنامه‌ریزان را در برمی‌گیرد. به بیانی دیگر، قدرت مهارکننده فضای معقول و همچنین بستر شکل‌گیری و دستیابی به حقوق شهری در فضاهای بازنمود پدیدار می‌گردد. فضاهای بازنمود، به‌طور مستقیم فضاهای زیسته، هستند. زبان آن‌ها زبان ویژه و بیان نمادی نیست؛ بلکه زبان آن‌ها زبان ساده و خودمانی مردم است (ماریفیلد[۹]،۲۰۰۶) جدول (۳).

جدول (۳). سیر تحول عوامل مؤثر بر حقوق شهروندی

دوران	عوامل مؤثر در هر دوره
مدرن قرن ۱۹	ظهور لیبرالیسم و لیبرال‌ها مخالف دخالت دولت در امور زندگی شهروند و اجتماع
قرن ۲۰	لیبرال‌ها، معتقد به نقش و دخالت فعال دولت برای از بین بردن تبعیضات، بی‌عدالتی‌ها و نابرابری ناشی از آزادی‌ها، قرار دادن وسایل و امکانات لازم در اختیار گروه‌های اجتماعی
قرن ۲۱	ظهور سوسیال‌دموکرات‌ها، گسترش بیشتر مفهوم حقوق اجتماعی، برخورداری از خدمات اجتماعی، بهداشتی، آموزشی، تأمین رفاه اجتماعی

لوفور پس‌ازآن، آنچه می‌تواند به‌عنوان یک روش آرمانی به نظم اجتماعی باشد، توصیف می‌کند: درک واقعیت اجتماعی فضایی (مشکلت، دارایی‌ها و تضادهای آن) همچون کشف ممکنات پنهان آن است. این مدینه فاضله، امکان وجود دارد و او معتقد است که می‌بیند و به آن انقلاب شهری نام داده. این انقلاب شهری یک پانل از

1 Spatial Knowledge
2 Soja
3 Space of Representation
4 Secret oriented
5 Users
6 Resistance
7 Rejection
8 Repressive forces
9 Merrifield

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

جامعه شهری دست‌یافتنی و متناظر با دوره‌ای از تاریخ و آینده جامعه است. شرایط آن «حق شهروندی» است: توسعه جامعه تنها می‌تواند در زندگی شهری تصور شود، آن‌هم از طریق تحقق جامعه شهری (لوفور، ۱۹۷۴، ۱۴۴). بنابراین مدینه فاضله ذاتی لوفور به‌طور هم‌زمان نه‌تنها مربوط به زندگی روزمره، مالکیت و تولید حالت بلکه اشکال قدرت را نیز شامل می‌شود. چراکه این حق شهروندی می‌باشد، البته به معنای مشارکت مؤثر بخشی از ساکنان و شهروندان. ساکنان در تصمیمات و برنامه‌های شهرسازی باید وارد شوند. نظام خود مدیریت شهری، یک مفهوم نوآورانه در آن زمان بود که پایه و اساس این حق برای تحقق بخشیدن به جامعه آینده شهری می‌باشد (ترابیچ[1]،۲۰۰۳).

سه فرمول مهم مفهومی برای فکر کردن در مورد تناقض در تولید و تخصیص فضا ارائه داده که شامل: فضاهای ایزوتوپی، فضاهای هتروتوپ و فضاهای آرمانی است. به زبان ساده، فضاهای ایزوتوپی توسط ایزوتوپ‌های خود تعریف می‌شوند که همان فضا را تشکیل داده و ساخته‌اند. آن‌ها را می‌توان به‌عنوان فضاهای مشابه به منطق سرمایه، داشتن عملکرد و ساختارهای متشابه و از منظر بازتولید نظام سرمایه تصور کرد.

حقوق شهروندی و شهرسازی

شهروندی سازه‌ای تلقی می‌شود که؛ ۱. از پذیرش آگاهانه و دلیل‌مند، نسبت به عضویت در جمع حکایت می‌کند که بر مبنای توجیهات خردپسندی انجام‌گرفته باشد؛ ۲. قابلیت پذیرش بر جمع و شمارش در ردیف دیگران را نشان می‌دهد؛ ۳. از وجود واسطه متقابل میان فرد و دیگران در یک جامعه حکایت می‌کند و ۴. از وجود تعهدات دوجانبه میان فرد و جامعه خبر می‌دهد (شهبا و قلی خانی،۱۳۹۰). این تعهد در دو جنبه مهم قابل‌طبقه‌بندی است: اول؛ حفظ، تقویت، به‌کارگیری و پاسداری از اصول ارزشی و هنجارهای رسمیت یافته جامعه توسط شهروند (حقوق عمومی) و دیگری؛ در پناه گرفتن و امکان رشد و توسعه دادن به شهروند توسط جامعه (حقوق خصوصی). در یک تقسیم‌بندی کلی، حقوق شهروندی شامل حقوق سیاسی، حقوق فرهنگی، حقوق مدنی، حقوق قضایی و حقوق اجتماعی و اقتصادی است (پیرهادی، ۱۳۸۵ و اسماعیلی، ۱۳۸۸).

حقوق عمومی در شهرسازی

با گذر از حقوق خصوصی که موضوع و محوریت اصلی آن «فرد» است، به حقوق عمومی که با کلیت «جامعه» سروکار دارد، می‌پردازیم. از منظری می‌توان گفت، پیکره جامعه از دو رکن تشکیل‌شده است فرمانروایان (دولت) و فرمان‌بران (مردم). حقوق خصوصی روابط بین فرمان‌بران را انتظام می‌بخشد و حقوق عمومی روابط بین فرمان‌بران و فرمانروایان را موردتوجه قرار می‌دهد. حقوق عمومی مشتمل بر قوانینی بوده که در آن وظایف، اختیارات و روابط دولت با مردم تنظیم‌شده است؛ به‌عبارت‌دیگر حقوق عمومی قواعد حاکم بر تشکیلات دولت و روابط سازمان‌های وابسته آن با مردم است (کامیار، ۱۳۸۲، ۱۳).

در روابط بین فرمان‌بران و فرمانروایان (مردم و دولت)، اگر شکافی ایجاد شود به دنبال آن عدم سازش میان طرفین را منجر شده و دوگانگی بین مردم و دولت رقم خواهد خورد. همچنین اگر دولت و جامعه، همبسته و پیوسته باشند اما با دگرگونی‌های کوتاه‌مدت و پیاپی همراه گردند با تبعاتی همراه می‌شود که برآیند هردوی

1 Trebitch

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

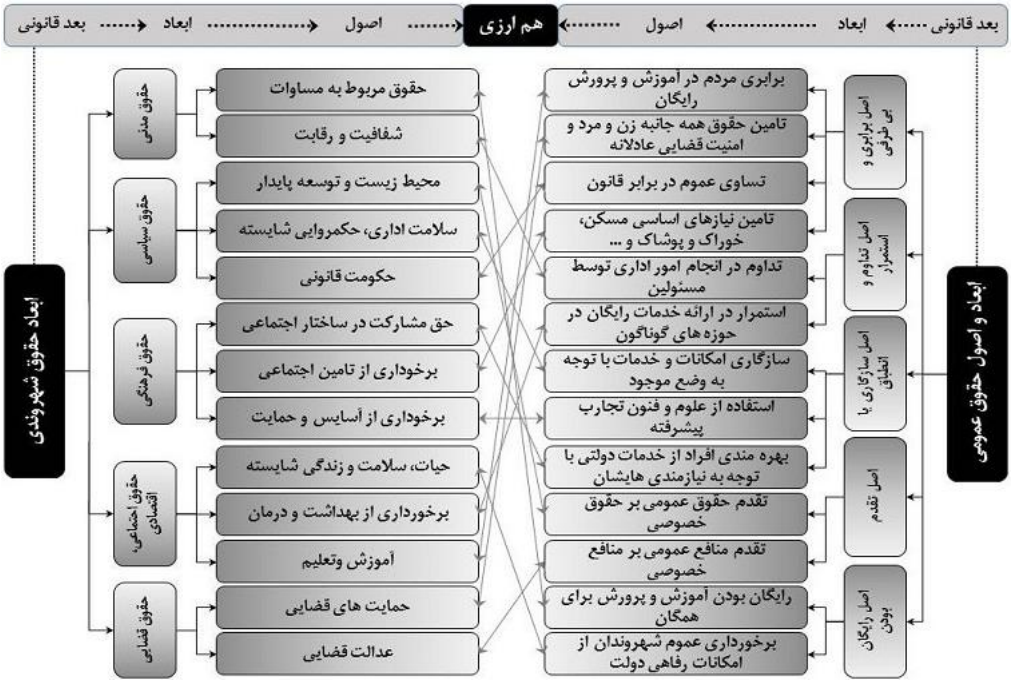
آن‌ها به‌صورت منفی بر ساختمان‌های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و کالبدی جامعه در شکل‌های مختلف رخساره می‌یابد (باقریان،۱۳۸۶، ۳).

به‌طور خلاصه، هدف غایی حقوق عمومی تنظیم زندگی شایسته برای انسان‌ها تعریف‌شده است که به‌وسیله دولت و با همکاری مردم محقق می‌شود. به گفته لئو اشتراوس و جوزف کرایسی «جامعه را نیازهای ما و دولت را شرارت‌های ما به وجود می‌آوردند. اولی از راه متحد ساختن عواطف ما به شیوه اثباتی موجب پیش‌برد ما می‌شود و دومی با کنترل کردن شرارت‌های ما به شیوهای سلبی ما را خوشبخت‌تر می‌سازد؛ اولی حامی و دومی مجازات کننده است» (گرجی به نقل از اشتراوس و کرایسی، ۱۳۹۳، ۱۰). در یک جمله می‌توان گفت که مبنا، قلمرو، گستره و نحوه مداخله دولت در شئون اقتصادی و اجتماعی، از بنیانی‌ترین مسائل حقوق عمومی است (مشهدی، ۱۳۹۴، ۱۸۱) خاستگاه مالکیت و حاکمیت را نیز باید به ترتیب در حقوق خصوصی و حقوق عمومی جستجو کرد، به‌رغم نزدیکی دو نهاد حقوقی مالکیت و حاکمیت، هر یک در سطح رد و کلان دارای آثار و تبعات مختلفی هستند (رمضانی و سیمایی، ۱۳۹۳، ۳). لذا اوصاف خاص شهرسازی و ارتباط آن با منافع جمعی برخلاف مالکیت شخصی، اقتضا دارد که رابطه دولت (کنشگر حاکمیت) با نظام شهرسازی توصیف گردد. نظریه خدمات عمومی ازجمله تأثیرگذارترین نظریات در حوزه مباحث مربوط به حقوق عمومی محسوب می-شود. نظریه «خدمات عمومی»[1] در اثر لزوم تأمین خدمات عمومی و در راستای منافع جمعی در زندگی به وجود آمده است و به‌مرورزمان تحولت بسیاری را پذیرفته است.

به اعتقاد برخی «مشروعیت دولت» وابسته به میزان «خدمات عمومی» است که ارائه می‌دهد و اگر دولتی قدرت انجام دادن این وظیفه را نداشته باشد شایستگی بقای خود را از دست می‌دهد؛ مشروعیت اعمال قدرت نیز از همان هدف خدمات مایه می‌گیرد (رضایی زاده و کاظمی، ۱۳۹۱، ۲۵). مشروعیت قدرت دولت نه‌تنها به خدماتی که انجام می‌دهد بلکه به چگونگی اجرای این خدمات یعنی «قانونمند بودن» آن نیز مرتبط می‌شود (طباطبایی مؤتمنی،۱۳۸۵، ۹). شکل (۴).

1 Services publics

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]



شکل (۴). ارتباط هم ارزی متقابل ابعاد حقوق عمومی و حقوق شهروندی

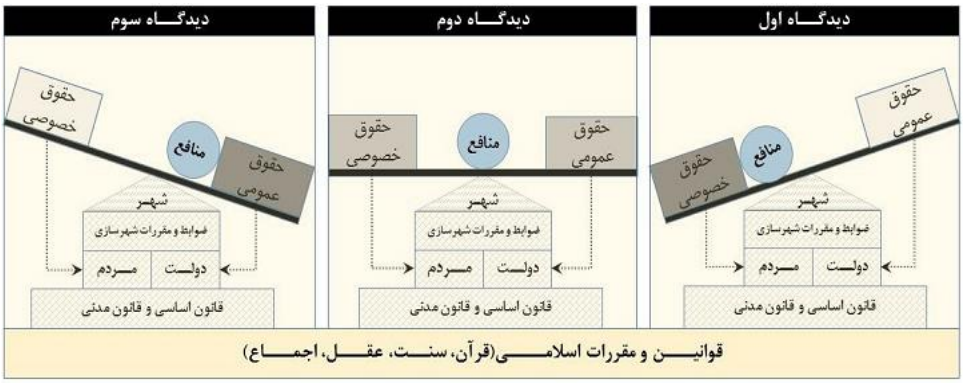
به‌طور عمده سه دیدگاه حقوقی-نظری در تبیین نسبت قانونی بین حقوق عمومی و حقوق خصوصی بیان می‌شود.

۱. **برتری حقوق خصوصی بر حقوق عمومی:** طی این فرایند، تقدم حقوق شخصی و مالکانه افراد راهی برای تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی و درنتیجه تحقق آرمان‌شهر مدنی به‌حساب می‌آید. این برتری در تمام جوامع مبتنی بر قاعده‌ای است که در آن منافع خصوصی در تعارض و تقابل با منافع عمومی نبوده بلکه مکمل آن است.

۲. **برابری حقوق عمومی و حقوق خصوصی در تصاحب منافع:** این دیدگاه مبتنی بر فرایندی است که طی آن حقوق عمومی نه در تقابل و تعارض با حقوق مالکانه بلکه در تعادل و تعامل با آن محقق می‌شود. فرایندی که بر اساس قانون و با بهره‌گیری از عرف حاکم بر جامعه، تعارضات منفعت طلبانه را به تعاملاتی پایدار مبدل می‌سازد.

۳. **برتری حقوق عمومی بر حقوق خصوصی:** امروزه جوامع مترقی بر پایه حدود و قیودی استوار است که هر فردی منافع شخصی خود را تابع آن دانسته و رعایت آن را برای تأمین منافع اجتماع واجب می‌داند. به‌طور خلاصه رکن عمده قانون اجتماع، اولویت نفع عمومی نسبت به نفع شخصی است. این دیدگاه با تقدم دانستن منافع عمومی جامعه به منافع شخصی افراد، تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی و آرمان‌شهر مدنی را در گرو تحقق حقوق عمومی می‌داند شکل (۵).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]



شکل (۵). پایه‌های حقوقی مؤثر در شکل‌گیری دیدگاه‌های سه‌گانه؛

منبع: خیرالدین و میلایی، ۱۳۹۵.

ضوابط و مقررات شهرسازی، فی‌نفسه مطلوبیت ذاتی و حقیقی ندارند، بلکه درصورتی‌که واجد ویژگی‌های مناسبی برای تحقق اهداف و آرمان‌های حقیقی باشند، خوب توصیف خواهند شد. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، هدفمندی محتوایی ضوابط و مقررات است (صالحی،۱۳۸۲، ۵۵).

نتایج

در این تحقیق در راستای میزان سنجی انطباق مؤلفه‌های حقوق شهروندی با حقوق معماری و شهرسازی از روش «دلفی» با طیف لیکرت استفاده گردید. روش دلفی که در دهه پنجاه برای غلبه بر ناتوانی‌های سایر روش‌های پیش‌بینی، در شرکت راند توسط نورمن دالکی، لف هلمر و تی. جی. گوردون ابداع شد، ابتدا برای مسائل نظامی به کار رفت، سپس، به دلیل اهمیت آن به سایر حوزه‌ها نیز راه یافت. تقریباً تمامی محققان مقیاس لیکرت را از نوع مقیاس رتبه‌ای (ترتیبی) می‌دانند؛ اما محققان بر روش‌های تجزیه‌وتحلیل داده‌هایی که از مقیاس لیکرت ناشی می‌شود توافق زیادی ندارند، اگرچه در برخی از این روش‌ها هم بحث و مجادله‌های زیادی است، اما روش‌هایی هستند که اکثراً بر آن توافق دارند. از طیف لیکرت می‌توان برای تقسیم کلی و قابل قبولی از نگرش‌های مردم و طرح عباراتی که ارتباط معنای ظاهری آن با نگرش موردبررسی به‌وضوح روشن نباشد، استفاده کرد. به‌این‌ترتیب می‌توان انشعابات دقیق‌تر و عمیق‌تر یک نگرش را کشف کرد؛ لذا از ۲۰ کارشناس معماری و شهرسازی سؤال گردید که بر اساس «طیف لیکرت ۵ گانه» چه میزان سنخیت بین هر یک از مؤلفه‌ها با حقوق شهرسازی متصور می‌شوید؟ همچنین از افراد فوق، ۷ نفر نیز متخصص حقوق بوده‌اند. مؤلفه‌های موردسنجش، نیز از «منشور حقوق شهروندی» دولت تدبیر و امید به‌عنوان اولین منشور حقوق شهروندی مصوب و «مؤلفه‌های حق به شهر» نظریه لفور استفاده‌شده است. همچنین در مرحله بعدی بر یکی از مؤلفه‌های پیشنهادی صاحب‌نظران و افراد فوق‌الذکر جمع‌آوری و تحلیل و تنسیق شده‌اند. نتایج مربوطه به شرح جدول (۴) است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

جدول (۴). میزان انطباق مؤلفه‌های منشور حقوق شهروندی با حقوق معماری

مؤلفه	میزان سنخیت با حقوق معماری و شهرسازی	رتبه
حق صلح، امنیت و اقتدار ملی	۲.۳	۲۱
حق سلامت و کیفیت زندگی	۴.۲	۴
حق کرامت و برابری انسانی	۳.۲	۱۶
حق آزادی و امنیت شهروندی	۳.۹	۹
حق مشارکت در تعیین سرنوشت	۳.۹۵	۸
حق اداره شایسته و حسن تدبیر	۳.۸	۱۱
حق آزادی اندیشه و بیان	۳.۸۵	۱۰
حق دسترسی به اطلاعات	۳.۴۵	۱۳
حق دسترسی به فضای مجازی	۳.۳۵	۱۵
حق حریم خصوصی	۴.۱	۶
حق تشکل تجمع و راهپیمایی	۳.۷	۱۲
حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت‌وآمد	۴.۳	۲
حق تشکیل و برخورداری از خانواده	۳.۴	۱۴
حق برخورداری از دادخواهی عادلانه	۴.۱۵	۵
حق اقتصاد شفاف و رقابتی	۳.۸۵	۱۰
حق مسکن	۴.۳۵	۱
حق مالکیت	۴.۲۵	۳
حق اشتغال و کار شایسته	۲.۹	۱۸
حق رفاه و تأمین اجتماعی	۲.۹۵	۱۷
حق دسترسی و مشارکت فرهنگی	۲.۷	۱۹
حق آموزش و پژوهش	۲.۶۵	۲۰
حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار	۴.۰۵	۷

یافته‌های این بخش نشان داد که درمجموع به ترتیب حق مسکن، حق اقامت و رفت‌وآمد و حق مالکیت رتبه‌های اول تا سوم نظرسنجی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین حق مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پژوهش و حق صلح و امنیت نیز کمترین رتبه‌ها در رابطه با ارتباط مؤلفه‌های حقوق شهروندی منشور تدبیر و امید با حقوق معماری و شهرسازی از دید صاحب‌نظران داشته‌اند. در رابطه با مؤلفه‌های مربوط به نظریه حق به شهر لفور نیز از طیف لیکرت سه‌گانه استفاده شد که بعد از تجمیع نظرات صاحب‌نظران از سه مقیاس کم، متوسط و زیاد استفاده گردید که نتایج آن در قالب جدول (۵) ارائه‌شده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

جدول (۵). میزان انطباق مؤلفه‌های نظریه حق به شهر با حقوق معماری؛ (راهنما: کم *، متوسط ** و زیاد *)**

مؤلفه‌های حق به شهر و اولویت آن‌ها در حقوق معماری و شهرسازی			
نظریه حق به شهر هانری لفور	حق تخصیص	حق کودکان در استفاده برابر از معماری شهری	۴.۳۵	۸
		حق زنان در استفاده برابر از معماری شهری	۴.۰۵	۱۱
		حق معلولان در استفاده برابر از معماری شهری	۴.۲۵	۹
		حق سالمندان در استفاده برابر از معماری شهری	۴.۱	۱۰
	حق مشارکت	حق مشارکت در برنامه‌ریزی پروژه‌های معماری	۳.۷۵	۱۳
		حق مشارکت در طراحی پروژه‌های معماری	۳.۷۵	۱۳
		حق مشارکت در مشاوره برای پروژه‌های معماری	۳.۷۵	۱۳
		حق مشارکت در اجرا و خصوصی‌سازی پروژه‌های معماری	۳.۷	۱۴
	حق مرکزیت	دسترسی مناسب و عادلانه به معماری شهری	۴.۵۵	۷
		دستیابی به کانون‌های قدرت مدیریت شهری و شهرداری		۱۵
		حق شفافیت در سازوکار مدیریت شهری	۴.۵۵	۷
		حق اختلاط‌پذیری قومیتی و ملیتی	۴.۶۵	۶
		عدم جدا گزینی و تمرکز خاص اقشار اجتماعی	۴.۶۵	۶
	حق بر زیستگاه	حق مسکن مناسب	۴.۸۵	۱
		حق محیط سالم و بهداشتی شهری	۴.۸۵	۱
		برخورداری از زیرساخت‌های شهری	۴.۸	۳
		برخورداری از خدمات شهرداری	۴.۸۲	۲
		برخورداری از امنیت شهری	۴.۷۵	۴
	حق سکونت	حق سکونت اقلیت‌های قومی	۴.۷	۵
		حق سکونت اقلیت‌های مذهبی	۴.۷	۵
		حق سکونت مهاجران داخلی و خارجی	۴.۷	۵
	حق فردیت	حق تفاوت‌پذیری قومیتی	۳.۸	۱۲
		حق تفاوت‌پذیری ملیتی	۳.۸	۱۲
		حق تفاوت‌پذیری مذهبی	۳.۸	۱۲
		حق آزادی همگانی	۴.۷۵	۴

در رابطه با مؤلفه‌های حق به شهر هم یافته‌های تحقیق نشان داد که از دید کارشناسان حق مسکن و داشتن محیط سالم و بهداشتی در رتبه اول قرارگرفته است. برخورداری از خدمات شهری در رتبه دوم و برخورداری از زیرساخت‌های شهری نیز در رتبه سوم قرارگرفته‌اند. امنیت و برخورداری از امنیت شهری در رتبه ۴ و حق سکونت اقلیت‌های مذهبی و اقوام مختلف رتبه بعدی را شامل شده است. سایر رتبه‌بندی‌ها در جدول (۵) مورداشاره قرارگرفته است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

نتیجه‌گیری

لوفور در مباحث خود نتیجه می‌گیرد که مواجهه با معضل شهریت وابسته به ساختار اقتصادی و سیاسی در مقیاس کشوری و همین‌طور ساختارهای کلان ایدئولوژیکی است. بر این اساس او مفهوم «حق بر شهر» را با این هدف که بتواند در تطابق با هر دو وجهه عملی و نظری معضل شهر، پاسخی مؤثر باشد، ارائه کرد. عرصه دیگری که لوفور بر آن تأکید می‌کند، بر جنبه‌هایی از شهرهای سنتی مرتب است که آن‌ها را در برابر نظام گسیخته و از شکل افتاده شهر مدرن در نظر می‌گیرد، گرچه او به‌هیچ‌عنوان خواستار بازگشت به شهر سنتی نیست. بلکه تمام این وجوه در نهایت باید در چارچوب نظامی نوین بر پایه مفهوم «حق بر شهر» در باب زندگی شهری درآیند. لوفور در نوشته‌هایش نمونه‌های زیادی را با عنوان «حق»[1] مطرح می‌کند. به‌صورت کلی می‌توان در چارچوب مفهوم کلی «حق بر شهر»، صورت‌بندی زیر را از مجموعه این حقوق ارائه داد: حق تخصیص[2]؛ حق مشارکت[3]؛ حق مرکزیت[4]؛ حق سکونت[5]؛ حق بر زیستگاه[6]؛ حق بر فردیت بخشی در اجتماعی سازی[7]. تقریباً بسیاری از مصادیق حقوق شهروندی که امروزه در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای شهروندان شناخته‌شده است، ازجمله حق آزادی رفت‌وآمد، آزادی بیان، دخالت شهروندان در حکمرانی و وضع قانون، منع بردگی، منع شکنجه، حق بر امنیت، حق بر تابعیت، حق پناهندگی و حق بر عقیده و دین و مذهب مانند آن، در دوران باستان در ایران پذیرفته‌شده بود؛ اما امروزه در ایران پدیده فرهنگ شهروندی در مطالعات علمی متأثر از جامعه مدنی غرب است و ما در تکامل فرهنگ و حقوق شهروندی خود باید مبانی و معیارهای الگوی ملی، منطقه‌ای و محلی را تدوین کنیم و در عین هویت ملی داشتن از تجارب سایر جوامع با استفاده صحیح منطقی از آن در جهت توسعه همه‌جانبه حرکت کنیم و یکسری راهکارها را برای گسترش فرهنگ و حقوق شهروندی در جامعه پیاده نماییم و در راستای تحقق حقوق شهروندی، تمامی اقدامات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی را در راستای نهادینه شدن قانون و وظایف شهروندی انجام دهیم. شهروندی نشان‌گر مجموعه از حقوق و تکالیف بین افراد در جامعه نسبت به هم و نسبت به اداره‌کنندگان جامعه است. حقوق شهری به‌طور خاص تنظیم‌کننده رابطه بین شهروندان و مدیریت شهری است. آگاهی از این حقوق سبب می‌شود که فرد نظارت بهتری بر مدیریت شهری داشته باشد، بهتر بتواند حقوق خود را مطالبه نماید و وظایفی که طبق قانون در مقابل دیگران و مدیریت شهری دارد را بشناسد و در جهت انجام آن‌ها اقدام نماید. میزان آگاهی از منابع درآمدی شهرداری، میزان آگاهی از روند و ساختار اداری در سازمان‌ها و نهادهای مدیریت شهری، آگاهی از قوانین انتخاباتی مثل انتخابات شورای شهر، آگاهی از ماده صد قانون شهرداری (مربوط به ساخت‌وسازهای شهری)، آگاهی از قوانین مربوط به عدم اشغال پیاده‌روها، آگاهی از قوانین مربوط به نگهداری، تعمیر و احداث مکان‌های عمومی، آگاهی از وظایف سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مدیریت شهری (شهرداری، شورای شهر). تحقق و اجرای عادلانه حقوق شهروندی ارتباط نزدیکی با فرهنگ قانون مداری دارد. جامعه‌ای

1 Right
2 The right of appropriation
3 The right of participation
4 The right to centrality
5 The right to inhabit: or the right to urban citizenship
6 The right to habitat
7 The right to individualization in socialization

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

که از درجه بالاتری از دموکراسی و قانون‌مداری برخوردار است نسبت به جامعه‌ای که از فرهنگ استبدادی و قانون‌گریزی رنج می‌برد، شرایط بهتری نسبت به تحقق حقوق شهروندی دارد. ازآنجاکه جامعه ایران جامعه‌ای در حال گذر است تحقق این حقوق با موانعی روبه‌رو است. ازجمله این موانع عبارت‌اند از:

۱. **موانع قانونی:** ازآنجاکه حقوق شهروندی محصول مدرنیته است، واردکردن این مفهوم در حقوق اساسی ایران یعنی قانون اساسی هم دارای موانع مفهومی بود؛ یعنی شناخت ما از حقوق شهروندی به دلیل تعارض با سایر مفاهیم مدرن کامل نیست و هم در قانون اساسی مفهوم حقوق شهروندی به‌صورت ناقص و با شرایط ویژه‌ای موردتوجه قرارگرفته است. بنابراین یکی از موانع مهم را باید در تعریف و تفسیر قانون اساسی از شهروند و حقوق شهروندی و حقوق بشر دانست. مشروط شدن حقوق شهروندی به‌عنوان یک پدیده مدرن با دستورات و تکالیف دینی و فقهی که درباره این دستورات اختلاف دیدگاه وجود دارد و بخشی از آن‌ها ریشه در سنت‌های دینی دارد، می‌توان ازجمله موانعی برشمرد که در قانون اساسی برای پیشبرد مفهوم حقوق شهروندی دیده می‌شود.

۲. **موانع اجرایی:** مغفول ماندن مسئولیت قوه مجریه در اجرای حقوق شهروندی، نبودن نظارت اجرای مؤثر بر حقوق شهروندی در دستگاه‌های اجرایی باوجود این‌که تأکیدات زیادی بر آن می‌شود مانع عمده‌ای در تحقق حقوق شهروندی است.

۳. **موانع سیاسی:** به‌طورکلی مفاهیم قانون مداری، احزاب، جامعه مدنی و حقوق شهروندی تحت تأثیر مسائل سیاسی قرار می‌گیرد. در بررسی موانع سیاسی حقوق شهروندی باید به نوع ساختار حکومت توجه نمود. عواملی چون ساختار تک‌حزبی یا تعدد احزاب یا نوع حکومت مبتنی بر تفکرات فردی یا دموکراسی توجه نمود. ازآنجاکه تعدد احزاب و قانون احزاب در ایران تحت تأثیر ملاحظات سیاسی است تا حقوقی، روند حقوق شهروندی با چالش‌های سیاسی عمده‌ای روبه‌روست. در فضای دمکراتیک حقوق شهروندی بستر مناسب‌تری برای تحقق دارد تا یک فضای غیردمکراتیک. در ساختار سیاسی حکومتی ایران به‌نوعی درهم تنیدگی برمی‌خوریم که ترکیبی از دموکراتیک و غیردموکراتیک می‌باشد همین درهم تنیدگی خود روند حقوق شهروندی را با پیچیدگی‌های زیادی همراه نموده است.

پیشنهاد مشخص و اصولی در رابطه با افزایش سطح آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی این است که این اطلاعات و آگاهی‌ها باید در کتب درسی از دوره‌های ابتدایی تا متوسطه به‌تدریج و با رعایت اصول علمی و فنون یادگیری به دانش‌آموزان که شهروندان آینده کشور هستند، القاء شود به‌طوری‌که هر شهروند در سن جوانی که در آستانه ورود به فعالیت در عرصه اجتماع می‌باشد، آگاهی‌های لازم در رابطه با حقوق و تکالیف خود به‌عنوان یک شهروند را کسب کرده و رعایت آن برای او نهادینه‌شده باشد. در دنیای معاصر رشد و توسعه حقوق بشر اغلب واقعیت‌ها و مفاهیم حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. حقوق بشر که با امضاء منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) به‌تدریج از جنبه‌های هنجاری و نظارتی پیشرفت قابل‌توجهی کرده است، رابطه میان حکومت‌های ملی و اشخاص تحت حاکمیت را سخت تحت تأثیر قرار داده است. تا آنجا که شهروندی نه به‌عنوان مفهوم و وضعیتی ساخته‌وپرداخته حاکمیت و نه به‌منزله نوعی ارفاق و بخشش یک‌سویه بلکه به‌عنوان تجلی حمایت نظام بین‌المللی حقوق بشر از افراد عضو یک جامعه ملی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

پدیدار شده است. یعنی هر فرد انسانی حقوق غیرقابل تخلف و سلب ناشدنی (ذاتی- طبیعی) دارد؛ که باید از سوی دولت و اجتماع شناسایی شود و محترم شمرده شود. در این معنا، حقوق بشر و شهروندی در نظام حقوقی دارای منزلت عینی است؛ لذا از رهگذر اراده قانون‌گذار و یا حتی در حکومت‌های دموکراتیک به‌واسطه اراده اکثریت مردم و جمعیت دارای حاکمیت، نمی‌توان و نباید آن حقوق را نادیده انگاشت، پس دولت‌ها قادر به ایجاد حقوق بشر و شهروندی از طریق قانون داخلی یا انعقاد بین‌المللی نیستند، بلکه تنها می‌توانند وجود حقوق انسانی را تأیید کرده یا تحت حمایت قانونی قرار دهند. هرکس در هر مکان به‌صرف آن‌که موجودی زنده است، قطع‌نظر از این‌که کجا زاده شده و کجا مقیم است، می‌تواند از حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندی بهره‌مند گردد (وحدت خانواده بشری).

در این فرایند دولت مکلف به حفظ و تأمین حقوق افراد در جامعه شده است. به‌واقع می‌توان گفت حقوق شهروندی از یک‌سو بر مدنیت انسان و از سوی دیگر بر انسانیت وی تکیه دارد، به تعبیر دیگر حقوق شهروندی همان حقوق بشری افراد است که وجه‌تسمیه آن از چند منظر قابل توجیه می‌باشد: الف) تأکید بر تبلور و ظهور عینی این حقوق در اجتماع؛ ب) ترسیم رابطه میان فرد و دولت؛ ج) وابستگی متقابل حقوق فردی و جمعی به یکدیگر در پایان نیز به برخی از مؤلفه‌های اساسی حقوق شهروندی و یا حقوق معماری پرداخته‌شده که از نتایج توصیفی مبانی نظری تحقیق بوده است جداول (۶ و ۷) و شکل (۶).

جدول (۶). مؤلفه‌های حقوق شهروندی و معماری از دیدگاه نظریه حق به شهر لفور

مؤلفه	تعریف عملیاتی
حق تخصیص	این حق معطوف به‌حق افراد برای استفاده و تولید فضایی، اجتماعی و فرهنگی است و در پی فراهم کردن حق طراحی و زیبایی‌شناسی عرصه شهری است. دراین‌باره عده‌ای از تحلیلگران معتقدند که این حق، بیشتر از این‌که متکی به عرصه خصوصی زیست و فعالیت باشد، در پی برآوردن این حق در عرصه همگانی ساکنان شهری در حالت تمام و کمال استفاده از فضای شهری در جریان زندگی هرروزه افراد است. بر همین اساس، حق بر تخصیص در چارچوب حق بر شهر، متضمن حق بر زندگی، بازی، کار، نمایش عمومی، شخصیت‌مداری و اشغال فضایی است.
حق مشارکت	این حق معطوف بر مشارکت افراد در تولید فضای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. درنتیجه این حق متشمل بر حق آگاهی از برنامه‌ها و آن چیزهایی است که قرار است تولید شود یا تولیدشده است و حق مشارکت و تولید پروژه‌ها و آثار عمده و بزرگ نیز هست. پس بر این اساس، ساکنان محیط شهری باید تقریباً در تمامی تصمیمات درباره تولید فضای شهری مشارکت یابند. این تصمیم می‌تواند زیر چتر توجه حکومت (به‌طور خاص سیاست‌های دولتی) یا هر ساختار حقوقی مؤثر بر تولید فضای شهری قرار گیرد.
حق مرکزیت	برای لوفور خواست داشتن حق بر شهر هم‌زمان به‌مثابه خواست داشتن حق مرکزیت نیز هست. این حق در پی تضمین کردن دسترسی به کانون قدرت، مکان‌های عمده شهری و مشارکت مؤثر افراد است. درنتیجه در چارچوب این حق به‌خصوص، می‌توان از حق استفاده و دسترسی از تمامی فضاهای شهری و حتی مکان‌های خاصی که به‌طورمعمول در اختیار قشرهای خاصی است، صحبت کرد. پس به‌صورت کلی، در حالت ایده‌آل، حق مرکزیت، بر حق داشتن نقش مهم و بنیادین در تصمیم‌گیری و درعین‌حال اشغال فضایی، زندگی و شکل‌دهی به فضاهای شهری استوار است. بسیاری از تحلیلگران، این حق را به‌مثابه پادزهری بر تفکیک‌های دوقطبی اجتماع شهری ازجمله ثروتمند- فقیر و خودی - غیرخودی، عنوان می‌کنند.
حق سکونت	شهر منافع همگانی و علی‌الخصوص منافع ساکنانش را تجمیع می‌کند. بر همین اساس صلاحیت داشتن حق بر شهر بر همه ساکنان آن مترتب است. بر همین اساس، حق جوامع و افراد نمی‌تواند حق مهاجران و مسافران را پایمال کند. شهروندی متضمن حقوق، وظایف و عضویت در حوزه‌های تفکیک‌شده اجتماع سیاسی

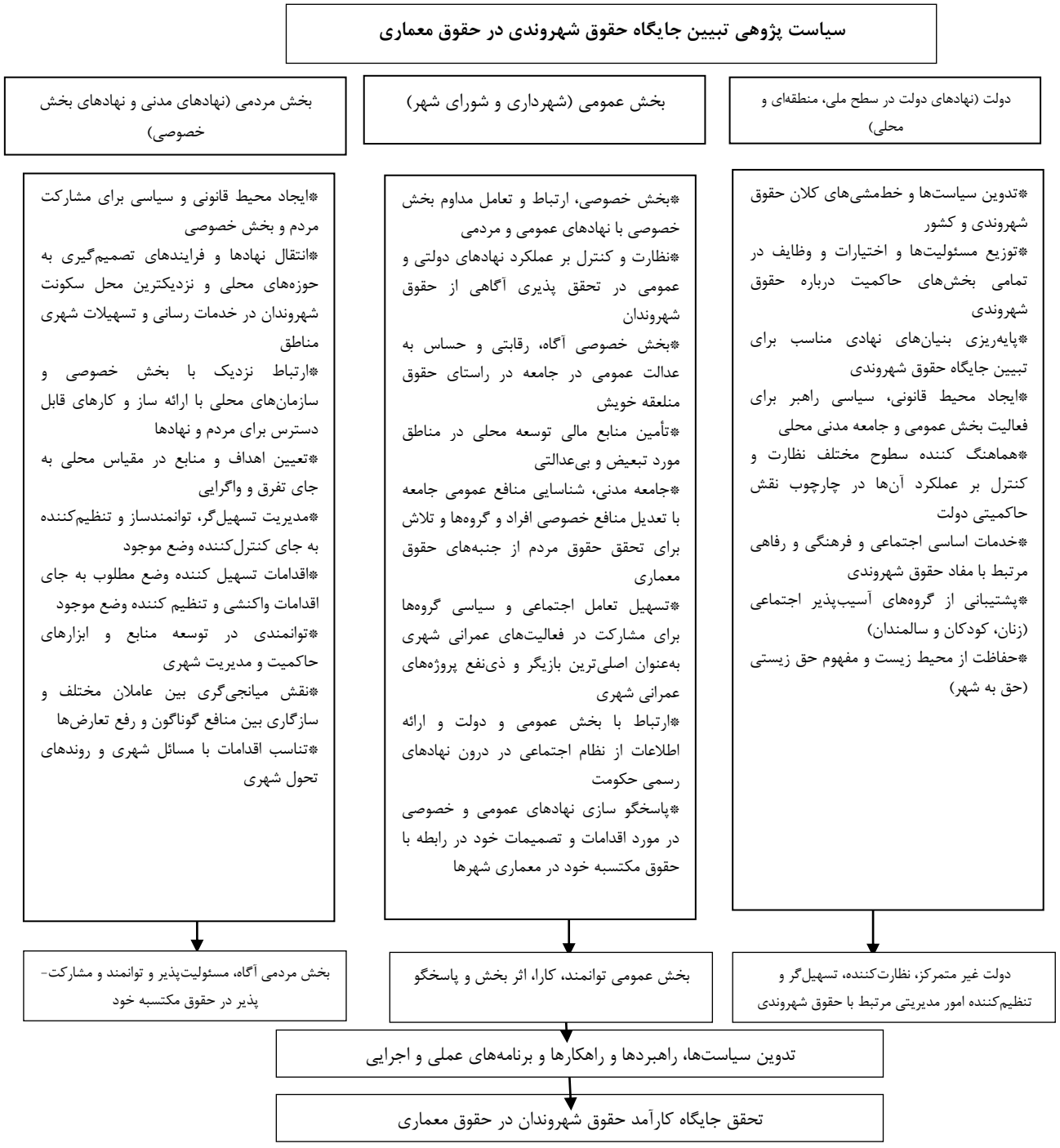
[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

	است.
حق بر زیستگاه	این حق نمایانگر یکی از مهم‌ترین حقوق اجتماعی- زیست‌محیطی افراد و خانواده‌ها و همین‌طور حق زیستگاه بر خانه داشتن است. یکی از دلیل عمده اعتراضات اجتماعی و شهری معاصر در جهان، حق داشتن مسکن مناسب بوده است. این حق شامل حق داشتن امنیت، حق داشتن محیط سالم و تمیز، بهره‌مندی عادلانه از محیط‌زیست، آب پاکیزه و زیرساخت‌های ضروری است.
حق بر فردیت بخشی در اجتماعی سازی	حق در وهله اول معطوف به شخص است و نه معطوف به «مردم» به‌طور عام و «طبقه». این مسئله بخشی در بنیادین در کشورهای کمتر توسعه‌یافته در مقایسه با کشورهای غربی یک معضل است. این مفهوم از اجتماعی‌سازی حق، مشتمل بر حق آزادی و حق تفاوت است که در بسیاری از این جوامع به‌طور ساختاری رد می‌شود. ایده اصلی در این رابطه این مفهوم از شهر را بیان می‌دارد: «شهر مکانی است که در آن تفاوت‌ها زندگی می‌کنند».

جدول (۷). مؤلفه‌های حقوق شهروندی در منشور حقوق شهروندی؛ دولت تدبیر و امید، ۱۳۹۵.

منشور حقوق شهروندی ایران	
حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی	حق کرامت و برابری انسانی
حق آزادی و امنیت شهروندی	حق مشارکت در تعیین سرنوشت
حق اداره شایسته و حسن تدبیر	حق آزادی اندیشه و بیان
حق دسترسی به اطلاعات	حق دسترسی به فضای مجازی
حق حریم خصوصی	حق تشکل، تجمع و راهپیمایی
حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت‌وآمد	حق اقتصاد شفاف و رقابتی
حق برخورداری از دادخواهی عادلانه	حق مالکیت
حق مسکن	حق رفاه و تأمین اجتماعی
حق اشتغال و کار شایسته	حق آموزش و پژوهش
حق دسترسی و مشارکت فرهنگی	حق تشکیل و برخورداری از خانواده
حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار	حق صلح، امنیت و اقتدار ملی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]



شکل (۶). سیاست‌پژوهی تحقق‌پذیری حقوق معماری؛ منبع: ترسیم نگارنده

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

منابع

آذر داد، لادن (۱۳۸۹) **جایگاه شهروندی در مراجع شبه قضایی**، چاپ اول، انتشارات جاودانه، تهران.

امیریار احمدی، محمود (۱۳۷۸) **به‌سوی شهرسازی انسان‌گرا**، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

پلبو، روبر، (۱۳۷۰) **شهروندی و دولت**، ترجمه ابوالفضل قاضی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

پورطاهری، مهدی، رکن‌الدین افتخاری، رحمتی مهدی (۱۳۹۱) **نقش دانش حقوقی در رفاه اجتماعی روستائیان، مطالعه موردی: دهستان میان کوه غربی، شهرستان پل‌دختر، استان لرستان**، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشکده جغرافیا) ۱۱(۴۳).

پورعزت، علی‌اصغر و قلی پور، آرین، حوریه باغستانی (۱۳۸۸) **رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها**، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۰(۲۱).

پورعزت، علی‌اصغر، باغستانی برزکی، حوریه، نجاتی آجی بیشه، مهران، (۱۳۸۶) **الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه بررسی تطبیقی اسناد موجود**، رفاه اجتماعی، ۷(۲۶):۱۳۱-۱۶۰.

پیرهادی، علی‌اکبر (۱۳۸۵) **حقوق شهروندی**، انتشارات سروش ملل، چاپ اول، تهران.

تیبالدز، فرانسیس، (۱۳۸۳) **شهرسازی شهروندگرا**، ترجمه: محمد احمدی‌نژاد، نشر خاک.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱) **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران.

خیرالدین، رضا و میلایی.(۱۳۹۵). **نظام حقوق شهرسازی ایران در پرتو قوانین و مقررات اسلامی (تبیین الگوی برهم‌کنش حقوق عمومی و خصوصی)**، نشریه مدیریت شهری، (۴۳).

ربانی خوراسگانی، علی و مسعود کیانپور، (۱۳۸۶). **مکاتب علمی و دیدگاه‌های نظری در باب حقوق شهروندی**، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، مرکز مطبوعات و انتشارات اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه.

رضایی زاده، محمد، (۱۳۸۴) **محاکم اداری فرانسه و صلاحیت آن‌ها در رسیدگی به دعاوی اداری**، مؤسسه معین اداره.

رضایی زاده، محمدجواد و کاظمی، داوود.(۱۳۹۱). **بازشناسی نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه فقه و حقوق اسلامی**، ۳(۵): ۲۳-۴۶.

رضایی، میثم (۱۳۹۳) **راهنمای آموزشی درآمدی بر شهرشناسی**، انتشارات آرنا.

رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، سیمایی صراف. (۱۳۹۳). **مطالعه تطبیقی محیط‌زیست در حقوق و فقه اسلامی**، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، ۳(۱).

روحی، زهره (۱۳۹۲) **حق به شهر**، انسان‌شناسی و فرهنگ.

ساعی ارسی، ایرج (۱۳۹۱) **آموزش مطالعات اجتماعی (در دوره ابتدایی)**، چاپ چهارم، ویرایش اول، تهران: نشر بهمن برنا.

سپهانی، عبدالرضا، سعادتمند، زهره و کریمی، فریبا، (۱۳۹۰) **شیوه‌های آشناسازی دانش‌آموزان دوره متوسطه فریدون‌شهر با حقوق شهروندی**، مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، (۱۵).

سیاری، علیرضا و عباس، کوچ نژاد (۱۳۸۶) **آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی**.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

شجیعی، زهرا (۱۳۷۲) **نخبگان سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی**، جلد ۱، نشر سخن، تهران.
شکری، نادر (۱۳۸۶) **مجموعه مقالت همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه‌سازمانی»**. شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن.
شیانی، ملیحه (۱۳۸۱) **تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان**، مقاله ارائه‌شده در مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۴(۳).
شیانی، ملیحه (۱۳۸۲)، **وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران**، رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
شیانی، ملیحه (۱۳۸۶). **فقر، محرومیت و شهروندی در ایران**، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵(۱۱).
شیانی، ملیحه و دادوندی، طاهره (۱۳۸۹) **تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان**، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، (۵).
صادقی، محمد، (۱۳۸۴) **اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه**، نشر میزان.
فتحی، سروش و مختارپور، مهدی (۱۳۸۸) **توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی**، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، (۴): ۱۰۷-۸۹.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱) **تضاد دولت و ملت**، مترجم: علیرضا طیب، نشر نی، تهران.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶) **ا خلاق و حقوق**. فصلنامه ا خلاق در علوم و فناوری. ۲(۱ و ۲): ۸۸-۸۵.
کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷) **مقدمه علم حقوق**، انتشارات سهامی انتشار، تهران.
کاستلز ا، دیویدسون آ (۱۳۸۲) **مهاجرت و شهروندی**، (ترجمه تقی‌لو)، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
کامیار، غلامرضا، (۱۳۷۹) **حقوق شهری و شهرسازی**، چاپ سوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
کامیار، غلامرضا، (۱۳۸۲) **حقوق شهروندی**، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران.
لطفی، حیدر و همکاران (۱۳۸۸) **مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان**، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم. شماره اول، زمستان.
لوفور، آنری، (۱۳۹۱) **تولید فضا**. ترجمه: محمود عبدالزاده، علی میرآورلی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهرداری تهران، شابک ۶-۰۱-۶۰۸۰-۶۰۰-۹۷۸.
ماری، گای (۱۳۸۸) **شهروند در تاریخ اندیشه غرب**، ترجمه عباس باقری، نشر و پژوهش فرزان روز، چاپ اول.
مشهدی، ع، (۱۳۹۱) **اصول و معیارهای کنترل قضایی اداری در حقوق سوئیس**، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۲).
مشهدی، علی (۱۳۹۴) **از عمومی شدن حقوق خصوصی تا خصوصی شدن حقوق عمومی: مشروعیت و قلمرو مداخله دولت در اندیشه هابرماس**، فصلنامه حقوق عمومی، ۴۵(۲): ۱۸۱-۱۹۳.
منصور نژاد، محمد (۱۳۸۶) **نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان**، مجله حکومت اسلامی، ۱۲(۲).
مؤتمنی طباطبایی، منوچهر (۱۳۸۵) **حقوق اداری**، جلد دوازدهم، انتشارات سمت، تهران.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]

موسوی، سید یعقوب، (۱۳۸۰) **تحول حقوق شهروندی به‌سوی تأمین انتظام شهری**، فصلنامه دانش انتظامی، ۳(۴).

موسی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۰) **بررسی حقوق انسان از دو دیدگاه غرب و اسلام (رابطه حق و تکلیف در اندیشه حقوقی اسلام)**. نشریه حکومت اسلامی. ۱۶(۶۲): ۳۳-۵۰.

نجاتی حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۰) **جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت، مدیریت شهری**. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها. (۵).

European charter for the safeguarding of Human Rights in the city, **Urban Policies and the Right to the City, Public Debate**, 18 March 2005, UN**.** The interrelationships between building regulations and architects' practicesRob Imrie, Department of Geography, King's College London.

Fenster, T. (2005). **Identity Issues and Local Governance: Women's** Everyday Life in the City, Social Adentities.

Harvey, D. (2008). **The Right to the City.** New Left Review.

Kofman, E. (1996). **Writing on Cities. Oxford: B**lackwell Puplisher.

Lefebver, H. (1991). **The Producttion of Space, translated by David Nicholson**, Smith. Oxford: Blackwell, Oxford and Cambridge.

Lefebver, H. (1996). **The Urban Revolution translated by Robert Bononno**. New York: University of Minnesota Press.

Lefebver, H. (2009). **State, Space, World Selected Essays**. U.S: University of Minnesota Press.

Marshall, T. H. (1981) **the Right to Welfare and Other Essays**. London: Heinemann.

Merrifield, A. (2006). **Henri Lefebvr A Critical Introduction**. Routledge.

Purcell, Mark. (2002). "**Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the** inhabitant", GeoJournal, 58: 99-108.

Soja, E. (1996). **Thirdspace Journeysto Los Angeles and other Real and** Imagination. Blackwell. 'The right to the city' revisited: Assessing urban rights e the case of Arab Cities in Israel, Yosef Jabareen European Charter for the Safeguarding of Human Rights in the City**.**

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.89.2]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.155]